

**پناهیان: بی‌دین‌ترین افراد هم در مقابل «دینداری توأم با محبت» تواضع می‌کنند/ چگونه محبت خدا را به**

### دل وارد کنیم؟

پناهیان: یکی از راه‌ها برای اینکه محبت خدا در دل مان بیاید و عاشق خدا بشویم این است که آن قدر به محبت خدا فکر کنیم تا از طریق این تفکر، به حب الله برسیم؛ خیلی باید به این محبت فکر کنیم. سعی کنید مدام فکرتان مشغول حب‌الله باشد، سر نماز هم فکرتان مشغول حب‌الله باشد و به این فکر کنید که اگر من خدا را دوست داشتم چه تحولی در دلم ایجاد می‌شد؟ خدایی که همه دوست‌داشتنی‌های عالم را آفریده است، قطعاً خودش از همه آنها دوست‌داشتنی‌تر است. وقتی سر به سجده می‌گذارید یا به رکوع می‌روید، به این فکر کنید که خدایا! کی می‌شود این در به روی من باز شود و من واقعاً تو را دوست داشته باشم. یعنی فکر و ذکرش را رها نکنید.

بخش‌هایی از **هفتمین** روز (تاسوعای حسینی) سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان در مسجد دانشگاه تهران با موضوع «**محبت خدا؛ نزدیکترین راه**» را در ادامه می‌خوانید:

#### ۱. بی‌دین‌ترین افراد هم در مقابل «دینداری توأم با محبت» تواضع می‌کنند

- اگر دینداری توأم با محبت باشد، آثار و برکات و فواید زیادی دارد.
- یکی از فوایدش این است که بی‌دین‌ترین و ملحدترین آدم‌ها نیز در مقابل آن دین، آن جامعه دینی و آن جان متدین تواضع خواهند کرد و جای حرف و حدیثی باقی نمی‌ماند. البته ممکن است باز هم بعضی‌ها باشند که متدینین را تمسخر کنند و این تمسخر تنها اسلحه‌ای است که در مقابل «همه» انبیاء الهی به کار گرفته شده است: «**يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ**» (یس/۳۰) چرا هر پیغمبری آمد، او را مسخره کردند؟ چون پیامبران با شور و محبت و عشق به دین می‌پردازند و این مسأله واقعاً معاندین را لال و زمین‌گیر می‌کند و چاره‌ای جز تمسخر برایشان باقی نمی‌گذارد. اما اگر یک جامعه بزرگ بتواند با محبت دینداری کند، دیگر همان تمسخرها نیز باقی نخواهد ماند.

#### ۲. محبت، قدرت‌آفرین است / ترس دشمنان امام زمان (ع) به خاطر شدت محبت یاران حضرت به ایشان خواهد بود

- از آثار و فواید دیگر محبت این است که قدرت‌آفرین است، یعنی یک قدرت بسیار بزرگ در مقابل دشمنان ایجاد می‌کند. و اوج این قدرت را می‌توان بعد از ظهور حضرت دید. ان‌شاءالله ما باشیم و ظهور را ببینیم، و این روند رو به گسترش رشد دین هم خیلی امید ما را بالا می‌برد، چون می‌بینیم که رشد دین تقریباً تصاعدی شده است. اصلاً این خاصیت دین است که رشد دین کم‌کم شروع می‌شود و بعد یک‌دفعه‌ای اوج می‌گیرد. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «**إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا**» (نصر/۱ و ۲)
- در زمان ظهور حضرت، آن چیزی که حکومت می‌کند محبت است؛ یعنی این محبت است که امنیت می‌آورد، این محبت است که جلوی زبان یابوگویان را خواهد گرفت، این محبت است که دشمنان را قلع و قمع می‌کند. اما چرا محبت این اثر را دارد؟ نه اینکه محبت، خودش مانند شمشیری باشد که دشمنان دین را

نابود کند، نه! خود محبت این‌گونه نیست اما وقتی اصحاب امام زمان (ع) شدیداً به او محبت داشته باشند، همین محبت دشمنان را به شدت می‌ترساند. لذا امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «خداوند امام زمان (ع) را به وسیله «عرب» کمک می‌کند: **الْقَائِمُ مِمَّا مَنُصَّرُ بِالرَّغْبِ بِالنَّصْرِ**» (کمال‌الدین و تمام النعمة/ج ۱/ص ۳۳۱)

- چه چیزی رعب ایجاد می‌کند؟ ظالمان با ظلم و جنایت کردن، رعب ایجاد می‌کنند اما برای امام زمان (ع) محبت یاران حضرت است که در دل دشمنانش رعب ایجاد می‌کند. همان محبتی که نسبت به علی (ع) نداشتند و لذا حضرت غریب ماند. رعبی که در دل دشمنان امام زمان (ع) می‌افتد ناشی از اخلاق خشن یاران حضرت نیست. این رعب ناشی از شمشیر و دیکتاتوری و ظلم و جور نیست. بلکه ناشی از محبت شدید یاران حضرت به ایشان است که حاضرند صدبار برایش بمیرند، و البته تعداد کسانی که این‌گونه به حضرت عشق می‌ورزند فراوان است، نه اینکه مثل زمان ائمه اطهار (ع) تعداد این یاران وفادار کم باشد. بعد از ظهور حضرت، محبت او در دل مردم جای می‌گیرد و عشق و علاقه مردم به امام زمان (ع) به حدی زیاد خواهد بود که در یاد هیچ‌کس، غیر او نخواهد بود. (امیرالمؤمنین (ع): **إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: «أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ»** فعند ذلك يظهر المهدي على أفواه الناس، و يُسْرِبُونَ حَبَّهُ، فلا يكون لهم ذكرٌ غيره؛ میزان الحکمه / ۱۳۳۳- اثبات الهداة/ ۵/ ۲۴۷- کنز العمال/ ۳۹۶۶۵) این محبت شدید، یک رعبی را در دل دشمن ایجاد می‌کند، لذا دیگر کسی جرات نمی‌کند علیه حضرت رفتار یا گفتاری انجام دهد.

#### دشمنان ما در مقابل رعبی که محبت ما به حسین (ع) در آنها ایجاد کرده، می‌خواهند یک رعب دیگر درست کنند لذا تصاویر جنایت‌های خودشان را منتشر می‌کنند

- محبت در دل دوستان قدرت‌آفرین است، و در دل دشمنان رعب‌آفرین است. همین الان محبت ابا عبدالله (ع) رعبی را در دل دشمنان ما انداخته و غوغایی به پا کرده است. لذا دارند سعی می‌کنند این ترس را به خودشان نگینند بلکه با جنایت‌های خودشان سعی دارند این ترس را به سمت ما بیندازند. اینکه سر دختر بچه سه‌ساله را می‌برند، یا قلب یک جوان را در می‌آورند و به دندان می‌کشند، و اینکه اصرار دارند سر ببرند و فیلم‌برداری کنند و این فیلم‌ها را پخش کنند، به خاطر این است که می‌خواهند ترس و وحشت ایجاد کنند. می‌خواهند در مقابل رعبی که محبت حسین (ع) در دل‌های آنها ایجاد کرده است، یک رعب دیگر درست کنند و چاره‌ای هم جز این ندارند. لذا برایشان مهم نیست که انتشار این تصاویر در میان مردم موجی از تنفر علیه آنها ایجاد خواهد کرد، چون الان به ایجاد رعب و ترس نیاز دارند. در سال‌های اخیر هم این راهپیمایی بیست میلیونی اربعین که معجزه محبت ابا عبدالله (ع) است، در دل دشمنان ما رعب ایجاد کرده است.
- محبت، قدرت انسان را بالا می‌برد و وقتی یک دین، سرشار از محبت شد، قدرت این دین و جامعه دینی افزایش پیدا می‌کند، و خداوند از ما خواسته است که دین را با محبت داشته باشیم. «**وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ**» (بقره/۱۶۵) البته این محبت خود به خود باید در دل مان بالا برود، اما راه‌هایی هم برای تقویت این محبت وجود دارد و با استفاده از این راه‌ها باید کاری کنیم که این محبت در دل مان بالا برود.

### ۳. افزایش محبت به خدا موجب لذت بردن از دینداری است

• یکی دیگر از فواید افزایش محبت خدا این است که انسان از دینداری خودش لذت می‌برد، چنان لذتی که اهل دنیا از دنیای خود نمی‌برند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اهل تقوا، با مردم دنیا در دنیاشان شریک شدند، اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نشدند، آنها در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاواران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند آن گونه که متکبران دنیا بهره‌مند بودند: **أَنْ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجَلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يَشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنَتْ وَ أَكَلُواهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَى بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْعَجَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ**» (نهج البلاغه/نامه ۲۷)

امام (ره): کسانی که دین را به صورت قشری به مردم منتقل می‌کنند، شیاطین طریق الی‌الله هستند/دین با قوانین خشک راهنمایی و رانندگی فرق می‌کند

• اگر در آموزش و پرورش زیبایی و محبوبیت دین را جا نمی‌اندازند اشتباه است. اگر در دانشگاه‌ها در درس‌های معارف، دین را عزیز دل آدم‌ها قرار نمی‌دهند اشتباه است. شاید به اندازه کافی هنرش را نداریم که این کار را انجام دهیم.

• **دین با قوانین راهنمایی و رانندگی فرق می‌کند، آدم‌ها هرچقدر هم به قوانین راهنمایی رانندگی نیاز داشته باشند، به آن عشق نمی‌ورزند! چون اینها یکسری قوانین خشک و بی‌روح است. وای بر کسانی که دستورات دینی را این طوری به دیگران منتقل می‌کنند. حضرت امام (ره) با کسانی که دین را بدون آن روح و اخلاق باطنی‌اش به مردم منتقل می‌کنند، خیلی محکم برخورد می‌کند و می‌فرماید: «کسانی که دعوت به صورت محض می‌کنند و مردم را از آداب باطنیه باز می‌دارند و گویند شریعت را جز این صورت و قشر معنی و حقیقتی نیست، شیاطین طریق الی‌الله و خارهای راه انسانیتند، و از سر آنها باید به خدای تعالی پناه برد که نور فطرت الله را که نور معرفت و توحید و ولایت و دیگر معارف است در انسان منطفی می‌کنند» (آداب الصلاة/ص ۱۵۴)**

• کسانی که دین را به صورت قشری به مردم منتقل می‌کنند، انگار دارند قوانین راهنمایی رانندگی به مردم یاد می‌دهند! درحالی که این دین، سراسر عشق و شور است، محبت خدا آتشی است که دل‌ها را به آتش می‌کشد. امام رضا (ع) می‌فرماید: کسی ذکر خدا کند و نماز بخواند ولی مشتاق ملاقات خدا نشود خودش را مسخره کرده است؛ **مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى خَالِياً وَ لَمْ يَشْتَقْ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ** (مجموعه ورام/۲/۱۱۱)

اگر محبت به دین در دل ما غوغا می‌کرد، تهاجم فرهنگی و ماهواره‌ها اثری نداشت

• دین تنها یک سلسله استدلال‌ات خشک کلامی نیست، این استدلال‌ات بیشتر به درد مرزداران دین می‌خورد که در حال دست و پنجه نرم کردن با با کافران و ملحدان هستند و به کار عموم متدینین نمی‌آید. باید کاری کرد که افراد دیندار، از دین لذت ببرند؛ الان مشکل ما این است. اگر محبت به دین در دل ما غوغا می‌کرد، تهاجم فرهنگی و ماهواره‌ها چیزی نبود که بخواد مردم ما را تهدید کند، یعنی اصلاً اثری نداشت. همین امروز هم ماهواره‌ها و رسانه‌های دشمن، هرچقدر تلاش کنند، آیا می‌توانند عزاداری امام حسین (ع) را از رونق بیندازند؟! دیگر در این عالم چیزی نمانده که این ماهواره‌ها برای اغوای مردم از آن استفاده نکرده باشند، اما آیا

می‌توانند با موج محبت حسینی مقابله کنند؟! چرا نمی‌توانند؟ چون در مکتب امام حسین (ع) عشق جریان دارد، یعنی مردم امام حسین (ع) را دوست دارند. لذا وقتی از ما می‌پرسند چرا به روضه می‌روید و چرا برای امام حسین (ع) عزاداری می‌کنید؟ می‌گوییم: «چون دوست داریم!» و این جوابی است که دهان همه یاوره‌گویان را می‌بندد و در مقابلش حرفی برای گفتن ندارند.

• امام حسین (ع) عمیق‌ترین سخن دینی را برای ما قابل تجربه کرده است. لذا اگر می‌خواهی به دین خدمت کنی، بیا همان کاری که امام حسین (ع) با ما انجام داده است را یک‌مقدار در بخش‌های دیگر دین هم توسعه بده و بقیه دین را هم برای خودت محبوب قرار بده؛ مثلاً نماز باید برای ما محبوب باشد. اینکه خداوند می‌فرماید: **«وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رِزْقُهُ فِي قُلُوبِكُمْ»** (حجرات/۷) دین باید در نزد ما محبوب باشد. این محبت است که غوغا می‌کند، اگر این محبت نباشد، مشکلات زیاد خواهد بود.

دین سرگرمی و لذت انسان را هم تأمین می‌کند/ اگر مردم از دین بیشتر لذت ببرند، دیگر دنبال شهوات نخواهند رفت

• دین که فقط چهارتا قانون حقوقی نیست، دین آتش است و دل آدم را به آتش می‌کشد، دین سرگرمی و لذت انسان را هم تأمین می‌کند. اصلاً مردم چرا سراغ شهوات می‌روند؟ به خاطر اینکه می‌خواهند لذت ببرند، حالا اگر از دین بیشتر لذت ببرند، دیگر دنبال شهوات نخواهند رفت و در نتیجه خود مردم، همه این برنامه‌های غیراخلاقی را دور می‌ریزند چون می‌گویند: «از این چیزها خوشم نمی‌آید و زیاد از آن لذت نمی‌برم.»

• اگر محبت به خدا را در دل خودمان افزایش دهیم، مقاومت ما در مقابل شهوات، ابلیس و تهاجم‌های دیگران بیشتر می‌شود و قدرت ما در مقابل اینها افزایش پیدا می‌کند و در دل دشمن رعب ایجاد می‌کند و از بندگی خودمان هم بیشتر لذت می‌بریم.

۴. محبت یکی از نوادر عواملی است که می‌تواند از عجب جلوگیری کند

• یکی دیگر از آثار محبت این است که محبت یکی از نوادر عواملی است که می‌تواند از عجب جلوگیری کند. امان از وقتی که مذهبی‌ها و اهل عبادت دچار عجب شوند، اگر چیزی نباشد که از عجب جلوگیری کند، برخی مذهبی‌ها از لامذهب‌ها خطرناک‌تر می‌شوند. عجب موجب حبط عمل می‌شود و عبادات و کارهای خوب انسان را فاسد می‌کند و از بین می‌برد. خداوند از عجب خیلی بدش می‌آید، به حدی که امام صادق (ع) می‌فرماید: **«خداوند می‌داند که گناه برای مؤمن بهتر از عجب است و اگر غیر از این بود، خدا هیچ مؤمنی را مبتلا به گناه نمی‌کرد؛ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ أَنَّ الذَّنْبَ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْعُجْبِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ مَا ابْتُلِيَ مُؤْمِنٌ بِذَنْبٍ أَبَدًا»** (کافی/۲/۳۱۳)

• عجب خیلی راحت به دل انسان راه پیدا می‌کند. تقریباً محال است کسی عبادت کند یا کار خوبی انجام دهد ولی عجب به سراغش نرود. البته ما یک تجربه خیلی خوب داریم که عجب هم در آن راه ندارد و آن روضه ابا عبدالله (ع) است. وقتی به روضه امام حسین (ع) می‌رویم و برمی‌گردیم، دچار عجب و غرور نمی‌شویم چون قهرمان ما را زده‌اند و روی زمین افتاده است، البته به او افتخار می‌کنیم ولی چون در ظاهر کشته شده و شکست خورده است، دیگر جایی برای عجب ما گریه‌کن‌های امام حسین (ع) باقی نمی‌ماند.

• بالاخره یک عاملی باید باشد که بقیه قسمت‌های دین ما را حفظ کند و آن هم محبت امام حسین (ع) است. امام حسین (ع) فقط عامل حفظ دین در عرصه تاریخ نیست، بلکه عامل حفظ دین در وجود یک آدم نیز هست. بالاخره یک عمل باید باشد که دچار

أَفْتِ عَجَبٌ نَشُودُ وَ بَمَانِدُ، وَ أَنْ هَمَّ كَرِيهَةٌ وَ نَالَهُ بِرِ ابَاعِبِدَاللَّهِ الْحَسِينِ (ع) است. محبت به خدا و دین هم از همین جنس است و لذا از عَجَبٌ جلوگیری می‌کند.

### چگونه محبت خدا را به دل وارد کنیم؟ / با فکر کردن به حب الله، می‌توان به محبت خدا رسید / «اولی الالباب» از طریق تفکر به حب الله می‌رسند

• حالا چه کار کنیم این محبت در دل ما بیاید؟ چون تغییر دادن دل خیلی سخت است و دل انسان به این سادگی تکان نمی‌خورد و حرف گوش نمی‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «جایجا کردن کوهها آسانتر از این است که قلبی بخواهد از جایش تکان بخورد؛ إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْضِعِهِ» (تحف العقول/ص ۳۵۸)

• یکی از راه‌ها برای اینکه محبت خدا در دل مان بیاید و عاشق خدا بشویم این است که آن قدر به محبت خدا فکر کنیم تا از طریق این تفکر، به حب الله برسیم؛ خیلی باید به این محبت فکر کنیم. کسانی هستند که خداوند در قرآن آنها را «اولی الالباب» صدا می‌زند، یعنی صاحبان اندیشه. «لَبَّ» یعنی اندیشه و دستگاهی که آدم با آن فکر می‌کند. اولی الالباب یا صاحبان خرد چه کسانی هستند؟ امام صادق (ع) می‌فرماید: اولی الالباب کسانی هستند که با فکر کار می‌کنند. آن قدر فکر می‌کنند که از طریق تفکر به حب الله می‌رسند؛ «إِنَّ أَوْلَى الْأَبَابِ الَّذِينَ عَمَلُوا بِالْفِكْرِ حَتَّى وَرثُوا مِنْهُ حُبَّ اللَّهِ» (کتابه الاثر/ص ۲۵۷)

• اگر می‌خواهی به محبت خدا برسی، با فکر کردن به حب الله می‌توانی برسی. مگر تفکر انسان را به محبت می‌رساند؟ بله، تفکر می‌تواند تو را به حب الله برساند. مثلاً یک راهش این است که در جلساتی (به صورت هفتگی یا حتی روزانه) شرکت کنی که در آن از محبت خدا صحبت می‌شود. سعی کنی مدام فکرتان مشغول حب الله باشد، سر نماز هم فکرتان مشغول حب الله باشد و به این فکر کنی که اگر من خدا را دوست داشتم چه تحولی در دلم ایجاد می‌شد؟ خدایی که همه دوست‌داشتنی‌های عالم را آفریده است، قطعاً خودش از همه آنها دوست‌داشتنی‌تر است. وقتی سر به سجده می‌گذاری یا به رکوع می‌روی، به این فکر کنی که خدایا! کی می‌شود این در به روی من باز شود و من واقعاً تو را دوست داشته باشم. یعنی فکر و ذکرش را رها نکنی.

• حضرت در ادامه روایت فوق می‌فرماید: «وقتی که محبت خدا به قلب انسان برسد، قلبش نورانی می‌شود و لطف و مرحمت و عنایت خدا با سرعت به او می‌رسد و برکات زندگی، او را فرا می‌گیرد. وقتی برکت، وجودش را گرفت، او اهل حکمت می‌شود و با حکمت سخن می‌گوید. و وقتی که حکیم شد، صاحب بصیرت و تیزبینی خواهد شد، و با قدرت عمل خواهد کرد و به قدرت می‌رسد و بعد هفت آسمان را می‌شناسد و می‌فهمد و وقتی به این مرحله رسید، دیگر شهوت و محبتش صرف خالقش می‌شود، (یعنی نه تنها دیگر بین شهواتش و محبت خدا گیر نمی‌کند که کدام را انتخاب کند، بلکه اصلاً شهواتش در محبت خدا خواهد بود)؛ فَإِنَّ حُبَّ اللَّهِ إِذَا وَرثَهُ الْقَلْبُ اسْتَضَاءَ بِهِ وَ أَسْرَعَ إِلَيْهِ اللَّطْفُ فَإِذَا نَزَلَ مِنْ أَهْلِ الْفَوَائِدِ فَإِذَا صَارَ مِنْ أَهْلِ الْفَوَائِدِ تَكَلَّمَ بِالْحِكْمَةِ فَإِذَا تَكَلَّمَ بِالْحِكْمَةِ صَارَ صَاحِبَ فِطْنَةٍ فَإِذَا نَزَلَ مِنْزِلَةَ الْفِطْنَةِ عَمِلَ فِي الْقُدْرَةِ فَإِذَا عَمِلَ بِهَا فِي الْقُدْرَةِ عَرَفَ الْأَطْبَاقَ السَّبْعَةَ فَإِذَا بَلَغَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ جَعَلَ شَهْوَتَهُ وَ مَحَبَّتَهُ فِي خَالِقِهِ» (کتابه الاثر/ص ۲۵۷)

### کسانی که فقط خدا و خوبی‌ها را دوست دارند، چگونه رشد می‌کنند؟

- سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است: بالاخره آدم باید مخالف برخی از دوست‌داشتنی‌هایش عمل کند تا رشد کند، پس کسانی که فقط خدا و خوبی‌ها را دوست دارند، چگونه رشد می‌کنند؟ اینها که علاقه بد ندارند تا با آن مخالفت کنند و در اثر این مبارزه، رشد کنند؟! پاسخ این است که اینها چون فقط چیزهای خوب را دوست دارند، باید مخالف بعضی از همین دوست‌داشتنی‌های خوبشان عمل کنند. مثلاً حضرت ابوالفضل (ع) دوست داشت قبل از علی اکبر (ع) و قاسم بن الحسن (ع) به میدان برود، چون خیلی برایش سخت بود که شاهد شهادت این دو بزرگوار باشد، لذا چند بار از امام حسین (ع) اجازه میدان خواست، اما امام حسین (ع) فرمود: «تو علمدار لشکر من هستی و اگر بروی لشکر من متفرق می‌شود؛ یا أُخِي أَنْتَ صَاحِبُ لِيَوَائِي وَإِذَا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ عَسْكَرِي» (بحار الانوار/ج ۴۵/ص ۴۱) لذا ابوالفضل (ع) برخلاف این خواسته خودش عمل کرد و به میدان نرفت.
- ابوالفضل (ع) در کربلا دوست داشت برای امام حسین (ع) علمداری کند، لذا وقتی امام حسین (ع) فرمود: تو علمدار لشکر من هستی، همه وجود عباس شده بود دست‌ها و پرچمش، اما در کنار علقمه همین دوست‌داشتنی خوب را هم برای خدا داد ...

